

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قَالَ الْحَبِيبُ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ  
أَنَا مُحَمَّدٌ  
وَأَنَا مُحَمَّدٌ

# دروازة می طهمور

فاطمه قرآنی



انتشارات بهار - تویس  
Valiyasr Toos Publication

# تمام دغدغه شیعه آن است که امام کجاست؟

هدیه به پیشگاه مقدس زینب کبری (س)  
به مناسبت نیمه شعبان سال ۱۳۸۶  
مصارف با سالگرد رحلت حضرت زینب (س)

سرشناسه	: قرآنی، فاطمه، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: دروازه ی ظهور / مولف فاطمه قرآنی
مشخصات نشر	: مشهد: ولیعصر (عج) توس، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۸ ص:
شابک	: 964-8062-22-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: خاطرات - مجموعه ها.
موضوع	: وقایع دروان پیروزی انقلاب.
موضوع	: سرگذشت .
رده بندی کنگره	: ۸۰۹/۸۲۱
رده بندی دیویی	: pd۲/۷۷۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۷۰۳۴۵



## گروه ولیعصر توس

مشهد - خ جنت، مجتمع تجاری بهارستان، شماره ۱/۲۰  
 تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۲۱۴۱۹ - شماره: ۰۵۱۱-۲۲۲۱۴۱۹ همراه: ۰۹۱۵۵۱۴۸۴۹۸  
 صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۱۶۶۷  
 www.VTPgroup.ir E-mail: info@vtpgroup.ir

### دروازه ی ظهور

مؤلف: فاطمه قرآنی

طراح جلد: مهدی علیزاده

امور فنی و رایانه‌ای: نشر ولیعصر (عج) توس

نوبت چاپ: اول (تابستان ۱۳۸۶)

مصادف با ۱۳ رجب ۱۴۲۸

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

لتیوگرافی و چاپ: دفت

شابک: ۹۶۴-۸۰۶۲-۲۲-۶

ای ای ان: ۹۷۸۹۶۴۸۰۶۲۲۲۹

**حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است**

# مطالب

- ۷ ..... آئینه، آ که دیدم ...
- ۱۱ ..... لباس تگسوار عاشورا
- ۱۹ ..... جریان خون
- ۲۳ ..... چشمه‌ی ثارالله
- ۲۹ ..... دعای عرفه کلید سعادت
- ۳۵ ..... زیر چادر مادر
- ۴۳ ..... تغذیه نور

# آنچه که دیدم

در بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) روحم به کربلا پر کشیده است، اما به خود نهیب می‌زنم احساسات را کنار بگذار، بین چگونه رفتاری داشته باشی که به امام حسین (ع) سالار شهیدان تقرب پیدا می‌کنی؟ که نزدیک‌ترین راه بسوی قرب الهی از باب الله وجود امام حسین (ع)

است؛ از باب الله وجود اهل بیت (ع) است... به این نکته فکر می‌کنم که متوسل به حضرت زینب (س) شوم. انشاءالله معارفی را در این زمینه برایم باز نمایند، با توکل به خدا و صلواتی بر محمد (ص) و آل محمد (ص) بازگو می‌کنم...

قلم در دست گرفته صحنه‌های عاشورا را مرور می‌کنم، حتی الامکان آنچه را که تا کنون شنیده‌ام یا خوانده‌ام. خدایا! شکرت، می‌توانم آنچه را هم که دیده‌ام بنویسم. خداوند توفیق عطا فرمود که از نزدیک محل وقوع حادثه را بینم، جایی که با قطرات خون ثارالله مزین شده و کانالی عمیق تا بی‌نهایت باز کرده که به ظاهر می‌گویند گودال قتل‌گاه امام حسین (ع). اما خدا می‌داند باطن آن چیست؟ چه خاصیتی از انرژی‌های فراوانی نصیب افرادی می‌شود که گودال قتل‌گاه

(سکوی پرش تا بی نهایت) را زیارت کرده‌اند؟! نمی‌دانم چه اسمی برای چنین مکان عظیمی گذاشته شود که حق مطلب ادا گردد. واژه‌ها بسیار کم است. محل وقوع حادثه عظیم کربلا... یا اینکه بگوییم سرچشمه زلال همه خوبی‌ها تا یوم الله ظهور... یا کلید دروازه ظهور... شاید بهتر باشد بگوییم کربلا شاهراه ظهور.

آری باید بگردم و بهترین واژه را روی ورق بیاورم و بنویسم درباره عظمت تشنه‌گان لقاء الله... اما قلم سخت حرکت می‌کند و نفس‌ها به شمارش می‌افتد. چرا که کار هر کس نیست که در اقیانوس بی‌کران حسین (ع) شناور شود. مسلماً محققین گرامی تمام تلاش خود را نموده‌اند تا صحنه‌هایی از کلاس پر نور و پر صفا، صداقت و صمیمیت حسینی را ترسیم و مطرح نمایند.

خدا را شکر که ما در کشوری زندگی می‌کنیم  
که با نور حسینی تغذیه شده و خداوند بر ما رحمت،  
نعمت و برکت بی‌نهایتی را عنایت فرموده که فرزند  
کعبه و کربلا در ایران باب الحوائج جهانیان باشد. درب  
خانه‌ی مولایمان امام رضا (ع) به روی جهانیان باز است و  
همه از اقصا و نقاط جهان به این مکان مقدس می‌آیند و  
از برکات بی‌نهایت رضوی فوق‌العاده استفاده می‌کنند.  
وقت را غنیمت شمرده و می‌خواهم از این سرچشمه‌ی  
نور رضوی سری به کربلا بزنم و مقداری از ارزش‌های  
حسینی را برای خود و شیعیان به ارمغان آوردم.



# لباس تک سوار عاشورا

تمام برنامه‌ها را مادر مهربان تنظیم نموده تا در انوار حسینی همه تربیت شوند. حتی لباس تک سوار نیم روز عاشورا را هم به دست مبارک آماده می‌نمایند. با تمام وجود می‌گویم ای مادر مهربان امت! جانم به فدایت، اجازه می‌دهی هنگامی که این لباس پرواز تا

بی‌نهایت را بافته و آماده می‌نمایی در خدمت شما  
باشیم...

گویی از عالم ذر نظاره‌گر این صحنه‌های عظیم  
بوده‌ایم. عجب بذری در کربلا کاشته شد که ثمرات  
زیادی داشته و ثمره‌ی نهایی آن در یوم الله ظهور  
برداشت می‌شود. مزرعه‌ای به وسعت تمام عوالم و  
نشئات که به دست مادر امت شروع گشته و شاید همین  
نقطه شروع از پشت درب نیم سوخته باشد. جانم به  
فدایت که نشان کربلا را با میخ درب، بر سینه‌ات نهادی.  
خدایا! نوشتن این مطالب خراشی بر دلم می‌زند. اما  
دوست دارم بنویسم. چرا که افتخارمان مادری مدیر،  
مدبّر، مهربان و آینده‌نگر است.

مادری که با چادرش همه‌ی ما را پناه داده و  
نمی‌گذارد سرما و گرما ما را اذیت کند. مادری که

خداوند تبارک و تعالی سایه‌اش را از ازل تا ابد بر سرمان مستدام داشته که برایمان روزی بدون مادرمان حضرت زهرا (س) متصور نباشد. با مادرمان از کنار درب نیمه سوخته می‌گذریم و برای تشییع غنچه‌ی پرپرش محسن (ع) به قبرستان بقیع رفته و نوع گل طه را در بهشت بقیع گذاشته و بر می‌گردیم. کنار بستر مادر می‌نشینم که از عطر بویش روحمان آرامش یابد. متوجه می‌شوم که مادر بار سفر بسته و آماده پرواز تا بی‌نهایت است. مادر تمام کارها را آماده نمود. بذر پاشیدن مادر روی زمین انجام شد. یا بهتر بگوییم نور افشانی. مصحف پر برکت و اسرار آماده و تمام ویژگی‌های آنها را مولای متقیان می‌دانند.

ای کاش دقیق می‌دانستیم که مادرمان چه چیزی را برنامه‌ریزی نموده‌اند. ما از لباس تکسوار عاشورا

خبر داریم... از بین منبر و محراب چه می‌دانیم؟ ... از اتصال محراب مسجد کوفه و درب نیمه سوخته چه اطلاعاتی در دست داریم؟... اسرار مناجات مسجد کوفه تا جنازه‌ی تیر باران شده‌ی امام حسن (ع) را نمی‌دانیم. گویی همان میخ درب، شمشیر تیز و زهر آگین شده و بر فرق مولایمان علی (ع) فرود آمده... و فزت و رب الکعبه امیر المؤمنین همه‌ی فضاها را پر کرده است.

به راستی آیا برای مولود کعبه جای دیگری غیر از محراب عبادت تصور می‌شود، که عروجی تا بی‌نهایت را داشته باشد؟ در ذهنم هواپیما یا سفینه‌ای عظیمی ترسیم می‌شود که در بانندی فرود می‌آید و بعد از مدتی از همان باند حرکت می‌کند. فرود در کعبه، عروج در مسجد، مقصد تا بی‌نهایت است. آری مادر و پدری که خودشان کلاس‌های تعلیم و تربیت را با

ویژگی خاص رقم زدند. یقیناً مادرمان حضرت زهرا (س) می‌دانستند و دشمن را می‌شناختند. اما باید دشمن بیرحم به همه شناسانده شود. شاید حکمت خداوند است که بهترین انسان‌ها به دست پست‌ترین‌ها به درجه‌ی رفیع شهادت برسند.

برنامه‌ریزی مدبرانه‌ی بانوی هر دو عالم ادامه رسالت سید ما حضرت رسول الله (ص) را طوری تنظیم نمودند که انسان متحیر می‌ماند. قوی‌ترین کلاس‌های رشد با نورانیت غیر قابل وصف برای رسیدن به یوم الله ظهور مطرح کردند. که با گذشت زمان عظمت و جلوه‌ای آن بیشتر مشخص می‌شود.

مرور می‌کنم برنامه‌های حضرت زهرا (س) را بعد از پدر بزرگوار و تنظیم مصحف شریف و احداث بیت الاحزان و آماده کردن لباس عاشورا و... و قرار گرفتن

بین در و دیوار... و افتتاحیه اولین شهید در آبیاری کردن  
 دین اسلام و عطر آگین شدن بقیع با غنچه‌ی پرپر،  
 محسن شهید... و همچنین وصیت الهی و سیاسی  
 حضرت زهرا (س) و شبانه دفن شدن و مخفی بودن مرقد  
 مطهرشان و تاریخ وفاتشان... در ایام فاطمیه و برکاتی  
 که از این ایام نصیب شیعیان و مسلمانان در مسیر ظهور  
 می‌شود و خیلی از کارهای دیگر...

با خود فکر می‌کنم خونی که از سینه‌ی مادرمان  
 حضرت زهرا (س) جاری شد قبلا از دیدگان حضرتش  
 در بیت الاحزان جاری شده بود. اشک حضرت زهرا (س)  
 فقط در فراق پدر نبود، بلکه دلایل زیادی داشته است.  
 در آن زمانه‌ی سخت اسرار بیت الاحزان و برنامه‌ریزی  
 برای آینده و چون با مردم در خطبه‌ای عمیق و پر  
 محتوای آن مادر مهربان اتمام حجت کرده بودند. و

شاید بیت الاحزان هم یک نوع کلاسی است برای شیعیان در یکی از دوران‌های سخت غیبت امام زمان (عج).

در مراسم حج می‌بینیم که به دنبال آب رفتن هاجر (ع) یکی از مناسک حج است. هاجر (ع) که یکی از خادمان حضرت زهرا (س) است. البته کلاس عظیم حج بحث‌های خاصی دارد. اما بخشی از این کلاس‌ها را خانمی آراسته با زینت صبر و تقوا، امید و توکل و توسل که در اوج بندگی رقم زد... مسلماً آنچه را که مادرمان حضرت زهرا (س) رقم زدند بسیار عمیق و پر محتوا است و جای تحقیق و بررسی دارد.

# حیات

به هر حال مواردی را که از مادرمان حضرت زهرا (س) با یادگار مانده خیلی عظیم و بزرگ است. دعاهای حضرت زهرا (س)، نمازهای حضرت زهرا (س) و رفتارهای حضرتش ... ایستادگی در مقابل ظلم و جور و جهل و حمایت صد در صد از مقام امامت تا آخرین نفس ... بلکه تا یوم الله ظهور ... تا بهشت مهدوی ... که



همان بهشت فاطمی است. انشاءالله با توکل به خدا و  
 توسل به حضرت فاطمه (س) برسیم به بهشت فاطمی و در  
 صف نماز جماعت مولایمان امام زمان (عج) قرار بگیریم  
 و از خواص بی‌نهایت نماز جماعت با مولایمان امام  
 زمان (عج) بهره ببریم و اوج نفس مطمئنه شویم و آیه‌ی یا  
 ایتها النفس المطمئنة... سوره‌ی فجر شامل حالمان  
 شود...

آری نمودی از بیت الاحزان را در خیمه‌های  
 عاشورا می‌بینیم، جریان خون پشت در و دیوار نیمه  
 سوخته را در محراب کوفه می‌بینیم و اتصال همان  
 زهری که به فرق امیر المؤمنین (ع) اصابت کرد، به جگر  
 فرزندان‌شان امام حسن مجتبی (ع) مشاهده می‌شود. خدایا!  
 این قلم سخت حرکت می‌کند و نمی‌تواند مطالب را  
 آنگونه که هست بر روی کاغذ بیاورد. ترسیمی از صبر

۲۵ ساله علی (ع) را در صبر و مقاومت امام حسن (ع) و  
اوج بردباری امام حسین (ع) را در تشیع جنازه و بدن تیر  
خورده امام حسن (ع) می بینیم.... روزی که علی (ع) بدن  
محسن شهید شش ماهه را در بقیع دفن نمودند شاید  
زمینه برای ورود اولین جسم شریف امام (ع) در خاک  
بقیع آماده شده بود، به راستی ما چگونه می توانیم بقیع را  
تعریف کنیم و حال آنکه در آغوشش پنج فرزند  
حضرت زهرا (س) نهفته است.... که چهار تای آن امام  
هستند. امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امام باقر (ع)، امام  
صادق (ع).

اللهم صل علی محمد و آل محمد  
و عجل فرجهم ...

کدام قلم می تواند عظمت بقیع را با آن همه  
خوبان و شهدا و رجعت کنندگانی که در آنجا هستند

بنویسد. تمام بزرگان در بقیع یک طرف و مرقد چهار  
امام (ع) در بقیع بحث دیگری دارد. و قطرات خون بدن  
تیر خورده امام حسن (ع) از بقیع تا قتل‌گاه دیده  
می‌شود... که چشمه‌ای بی‌نهایت تشکیل شده و فوران  
می‌کند.



این چشمه می جوشد و فوران نور می کند. و راه  
را باز می کند... فوران چشمه ثارالله بسیار بسیار شدیدتر  
از کوه‌های آتشفشان است. گدازه‌های کوه‌های  
آتشفشان آنچه را که در سر راهشان باشد نابود می کنند  
و از بین می برند. اما چشمه ثارالله را نمی شود وصف  
کرد. ابعادی از آن را می توانیم بگوییم که آن چشمه ثار

الله همان چشمه‌ی آب حیات است که انسان‌ها را به  
 ظهور و به اعلیٰ علیین می‌رساند. به فضای کارت  
 دعوت خصوصی خدا می‌رساند. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ  
 الْمَطْمَئِنَّةُ ... اِرْجِعِي إِلَي رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ...  
 فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي ... وَأَدْخُلِي جَنَّتِي.

نمودی از این چشمه در مشهد مقدس رضوی  
 دیده می‌شود. بارگاهی که میلیون‌ها عاشق هر لحظه از  
 آن بهره‌ها می‌برند خود را به چشمه‌ی فیض رضوی  
 می‌رسانند که همان چشمه جوشان محمدی (س) است.  
 چشمه‌ی فاطمی (س)، علوی (ع) حسینی (ع) ... فرقی  
 نمی‌کند به یک جمله می‌توان گفت چشمه بی‌نهایت  
 ثارالله، بسیار پر جاذبه‌تر از هر چیزی است که می‌توان  
 تصور نمود. به همین دلیل هر چه بیشتر به زیارت برویم  
 تشنه‌تر می‌شویم. اماکن مقدس این چنین هستند.

حرم‌های اهل بیت (ع) جاذبه خاصی دارند که باید در این مورد بیشتر بررسی شود... یادم از شعری آمد:

این حسین کیست  
که عالم همه دیوانه اوست  
این چه شمعی است  
که جان‌ها همه پروانه اوست

زمانیکه حدوداً ۴ یا ۵ ساله بودم و پدر بزرگ مادرم که فردی بسیار پیر ولی نورانی بود همیشه با خود این شعر را زمزمه می‌کرد. امروزه نمود این عشق بیشتر شده. و انشاءالله تا یوم الله ظهور به اوج خودش می‌رسد.  
جان‌ها همه پروانه اوست.

کاروان حسینی که در اصل همان کاروان محمدی (ص)، علوی و فاطمی است به سرعت در حال حرکت و عضوگیری است. ازدحام جمعیت به طرف

این کاروان می‌باشد... جلوه‌ی حدیث نبوی که می‌فرماید: ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة، روز به روز بیشتر می‌شود با تمام وجودم فریاد می‌زنم ای خورشید هدایت، ای امام حسین (ع)، جانم به فدایت، ما را نجات بدهید و به سرزمین امن ظهور برسانید.

السلام عليك يا ثارالله يا نورالله يا عين الله  
يا باب الله....

مولا جان! در این لحظاتی که ایام عاشورای سال ۸۵ است سرزمین عراق لاله‌گون از خون شهیدان است که بر اثر انفجارها به خاک و خون غلطیده‌اند. گروهی از شیعیان در ظلم و جور و جنایت‌های وحشیانه گرفتارند. سرزمین ایران لاله‌گون از خون شهیدان است. شما فرج فرزندتان مهدی موعود (عج) را از درگاه

خداوند تبارک و تعالی بخواهید.

خدایا! بر سید الشهداء (ع) قسم می‌دهیم که

ظهور را در زمانه‌ی ما قرار بده.



# عرفه کلید سعادت

فرازی از دعای عرفه امام حسین (ع) مد نظر  
می آید و زمزمه می کنم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ  
دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ... سپاس خدایی را که برای  
حکمش هیچ چیزی جلودار نیست. و همچنین از  
عطایش مانعی نیست... وَ هُوَ لِلدُّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلْكَرِيَامِ

دافع ... و سپاس خدایی که شنوای دعا گوینان و بر طرف کننده گرفتاری‌هاست و در ادامه امام حسین (ع) یک رمز رشد را حمد و شکر بیان می‌فرمایند. و اینکه انسان نمی‌تواند شکر نعمات الهی را داشته باشد.

وَ اِنْ تَعُدُّ وَاِنْعَمَةَ اللّٰهِ لَا تَحْصُوْهَا صَدَقَ كِتَابُكَ

و اگر شماره کنید نعمت خدا را نمی‌توانید آنرا آمار بگیری (نمی‌توانید بشمارید) راست است کتاب تو خدایا و در دعای عرفه کلیدهای سعادت را یکی پس از دیگری برای انسان‌ها بیان می‌فرمایند... اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَحْشَاكَ كَاْنِيْ اَرَاكَ وَ اَسْعِدْنِيْ بِتَقْوَاكَ. خدایا! آنچنان مرا خاشع گردان گویا تو را می‌بینم و خوش بختم کن به تقوای خود... (توفیق تقوای همه جانبه را عطا فرما)... اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِيْ نَفْسِيْ وَ الْيَقِيْنَ فِيْ قَلْبِيْ وَ الْاِخْلَاصَ فِيْ عَمَلِيْ وَ النُّوْرَ فِيْ بَصْرِيْ وَ الْبَصِيْرَةَ فِيْ دِيْنِيْ ...

عجب، جملات عمیقی است.... *غِنای نفس*. آیا منظور نفس مطمئنه است که محصول آن یقین در قلب و اخلاص در عمل و حاصل نوری که انسان بصیر در دین می‌شود باید بررسی شود. خدایا این دعای عرفه را در وجود ما جریان بده. مسلماً امام حسین (ع) منظورشان فقط دعا خواندن نبوده، و یا اینکه به ما یاد بدهند چگونه دعا بخوانیم. بلکه عمل به فرازهای نورانی دعا بوده، خیلی معارف و اسرار و کلیدهای تعلیم و تربیت را در دعا مطرح فرموده‌اند.... *فَلَکَ الْحَمْدُ دَائِماً وَ لَکَ الشُّکْرُ وَاصِیاً أَبَداً*. تو را سپاس سزااست همیشه و از آن توست شکر ثابت و ابدی.... به نظرم بهتر است اسم دعای عرفه، دعای معارف باشد.... اوج بندگی و لذت در این دعا مشاهده می‌شود. و امام حسین (ع) همه را دعوت

می نمایند که اینچنین باشند. اگر حسینی هستید باید فضای زندگی شما لا اله الا الله باشد. حسینی زندگی کردن یعنی خدایی زندگی کردن. یعنی تمام حمد و شکر و صبر و بندگی و اخلاص و عمل و... مناجات با خدا در این دعا انسان را عوض می کند. حال روحانی و آرامش می دهد. امام حسین (ع) می فرمایند: **أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَعْفِرْ حَالِي... مَنْ مَعْتَرَفٌ بِهِ گناهانم آنها را بیامرزد... شاید در این فراز دعا امام حسین (ع) برای شیعیانش طلب مغفرت می نمایند. و می فرمایند:...**

**كُذِّبْنَاكَ شَاكِرِينَ. وَ مَا رَا بَرَاءِ خُودِ بِنُؤِيسِ جَزَاءِ شَاكِرِينَ... إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي... خدایا بیرون آور مرا از خواری نفس. وَ طَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ... وَ پاك كن مرا از دو دلی و**

شک و شرک خودم پیش از رفتن به گورم. تویی که  
تاییدی انوار معرفت در دلهای دوستانت تا تو را  
شناختند.

فدایت بشوم یا ابا عبدالله که در تمام لحظات و  
رفتارها و گفتارهایتان شیعیان و دوستانتان را به عبد الله  
بودن (عبد خدا بودن) سوق می‌دهید. تمام دعای عرفه  
اشاره‌ای است بسوی عبدالله شدن. تمام لذت مناجات  
لذت با خدا بودن است. صلی الله علیک یا ابا عبدالله

# مادر

از حرم مطهر فرزندان امام رضا (ع) صدایتان  
می‌زنم و با اعماق وجودم التماس دعا دارم برای اینکه  
بتوانم شاگرد و پا دوی خوبی برای شما خاندان باشم. و  
به دیگران هم یاد بدهم... و بفهمم رمز عاشورا چیست،  
هدف را دقیقاً شناسایی کرده و سرعت و سبقت بگیریم.

مولا جان! کاروان شما با کمبود آب به ظاهر  
 مواجه بود. شما از امتیازاتی که خداوند داده بود استفاده  
 نکردید. و نگه داشتید تا کاروان بسوی ظهور را سیراب  
 کنید. و پر از امکانات معنوی به سرزمین ظهور برسانید.  
 انشالله.

خدایا! ما را به صف نماز جماعت

امام زمان (عج) برسان.

امیدوارم که امسال هم به برکات وجود اهل بیت  
 (ع) و شور نوای حسینی گامی بلند به سوی احقاق حق  
 فاطمی برداشته شود با رهز یا حسین.

آنچه که فکر مرا مشغول داشته راه مرام و هدف  
 حسینی است، که در صحنه‌ی کربلا مردان و زنانی که  
 خودشان را با امامشان هماهنگ کرده و بار سفر بستند،

حرکتی را تا بی‌نهایت شروع کردند. و قلوب انسان‌های بیدار را بسوی خود جذب کرده‌اند. و در این گوشه‌ای از حرم نورانی مولایم امام رضا (ع) سرافکننده از اینکه چگونه این بانوان حسینی را شناسایی کرده همراه شوم؟ آیا چه تعدادی از بانوان این دوره زمانه هم تراز و هم سو با زنان کربلا هستند... یا اینکه چه تعدادی مردان این دوره زمانه...

البته دوره جنگ تحمیلی آزمایش خوبی بود که حسینیان از یکدیگر سبقت بگیرند. و همچنین زینیان زیادی داشتیم و داریم. اما این آیه مد نظر آمد که بل الانسان علی نفسه بصیره و لو القی معاذیره... انسان خودش می‌داند که چه کرده است ولو اینکه عذر بیاورد و ... می‌داند که باید خودم را در این ایام محاکمه کنم.



چه کردی؟ چه هستی؟ چه هدفی داری؟ چرا کم  
 کاری؟ چرا کوتاهی؟ چرا از زمان سرعت نمی‌گیری؟  
 چرا به سرعت زمان توجه نمی‌کنی؟ آیا نمی‌بینی که  
 زمان هر روز از روز گذشته سریعتر می‌گذرد؟ آیا  
 وقتش نرسیده سبک بال آماده پرواز کوی فاطمی  
 شوی؟ آیا می‌خواهی زندگی معمولی داشته باشی تا  
 روزی عمرت تمام شود؟ آیا از زنان کربلا الگو  
 نگرفته‌ای؟ آیا آرام صبر تقوی و شکر و حلم و ایمان را  
 برای خود ذخیره نکردی؟ آیا نگرانی نداری که همین  
 لحظه امام رضا (ع) با چه شکل و شمایلی تو را می‌بینند؟  
 آیا اسمت در دفتر اهل بیت (ع) جزء شیعیان است؟ آیا  
 فقط دل خوش کرده‌ای که روضه‌ای رفتنم و اشکی  
 ریختم و مطالعه‌ای کردم و ... امام حسین (ع) را دوست  
 دارم. چقدر دویدی برای اهداف حسینی؟ چه کردی با

## آرمان حسینی؟

یا زینب کبری به دادم برس که ضربان قلبم به شماره افتاده. فریادم از درون غوغا می‌کند. دیگر چه بنویسم ای امام رئوف، چاره‌ای بفرمائید. صفات ما را اصلاح و همه کارهای ما را در مسیر ظهور مولایمان سازماندهی بفرمائید. آقا جان! برای کارهای ظاهری می‌شود از کسی کمک گرفت اما برای کارهای باطنی چه کسی جز شما خاندان عترت و طهارت ما را کمک می‌کند. مولا جان! از این همه لطف و برکات و نعمات بی‌نهایت سپاسگزارم.

اما برای سرعت و سبقت به سوی ظهور امکانات زیادی لازم داریم. خیلی شرمندهام آقا جان! محبت کنید. اقامه نماز و استجاب دعا عنایت فرمایید. به ما یاد دهید چگونه عزاداری کرده یا جشن بگیریم که مورد

رضای خدای تبارک و تعالی باشد. یا امام رضا (ع) جانم  
به فدایت، سلام ما را بایان خودتان به سرورمان آقا سید  
الشهدا (ع) برسانید....

یا معین الضعفا نفس کشیدن هم در این  
گوشه‌ی حرم مطهر شما سخت شده و نوشتن هم  
سخت‌تر. گویی قلم هم می‌خواهد بنویسد صلوات بر  
محمد و آل محمد،

اللهم صل علی محمد و آل محمد (ص).

با خود قرار می‌گذارم که تا می‌توانم سبک بال  
شوم. خودم را با نور قرآن و اهل بیت (ع) از گرد و  
غبارها در زیر چادر مادر مهربان، فاطمه زهرا (س) پاک  
نگه دارم. از هر گونه فکر منفی و حرف منفی و کارهای  
منفی به شدت دور باشم، چشم نعمت بین داشته باشم و

مدام نعمات فراوان الهی را دیده و شاکر و ذاکر باشم.  
دقایقی بیشتر حسابرسی کارها کرده و از دارو و درمان و  
انرژی‌های حرم مطهر و دعای عرفه و قرآن دقیق‌تر  
استفاده نمایم.

**یا ابا صالح مدد**

# تغذیه‌ی نور

امام حسین (ع) می‌فرمایند:

● اگر شنیدی که کسی به آبروی مردم دست‌اندازی می‌نماید کاری کن که تو را نشناسد زیرا از همه بیشتر آبروی کسانی در خطر است که او آنان را می‌شناسد.

● وقتی برای خردمند دردسری پیش آید غم خود را با هوشیاری و دور اندیشی از میان می‌برد و عقل خود را به چاره‌جویی وامی‌دارد.

● از حرص و ترس به خدا پناه ببر زیرا حرص روزی را پیش نخواهد آورد و ترس مرگ را عقب نخواهد برد.

● بدانید که تلخ و شیرین جهان خوابی بیش نیست.

● آگاه باشید که به کار آخرت بیدار و هوشیار باید بود. پیروزمند کسی است که در آن جهان پیروز گردد و بدبخت کسی است که در آن جهان بدبخت شود.

● شتاب نشانه‌ی بی‌خردی و بی‌خردی نشانه‌ی

ناتوانی است.

● پدر من از زبان پیغمبر خدا گفت که جهان زندان مؤمنان و بهشت کافران است و مرگ پلی است که آنان را به بهشت و اینان به دوزخ می‌برد.

● تو برای مال خود باقی نمی‌مانی و مال تو نیز برای تو باقی نخواهد ماند پس آنرا بخور پیش از آنکه تو را بخورد.

● مرگ را جز خوشبختی نمی‌بینم و زندگی با ستمگران را جز رنج و ستوه نمی‌یابم.

● گروهی خدا را به امید بهشت می‌پرستند، این پرستش بازرگانان است. گروهی او را از ترس دوزخ می‌پرستند و این پرستش بندگان است. گروهی برای سپاس‌گذاری نعمت‌هایش او را می‌پرستند و این پرستش آزادگان است و بالاترین پرستش می‌باشد.

● شما را به زنده نگه داشتن آیات خداوند و از میان بردن بدعت‌ها فرا می‌خوانم. اگر دعوت مرا بپذیرید به راه راست هدایت خواهید شد.

● شما را به پرهیزگاری توصیه می‌کنم زیرا خداوند کسی را که پرهیزگار باشد ضمانت می‌کند تا از راهی که خدا را خوش نمی‌آید بازگردد و به راهی که خدا می‌پسندد قدم بگذارد.

● همچون کسی مباش که از کیفر گناه دیگران بیمناک است و از کیفر گناه خود ایمن می‌نشیند.

● بهترین مال آن است که بوسیله آن آبرو حفظ

شود.

● برای جان شما جز بهشت بهای دیگری نیست.

آن را به بهای دیگر نروشید.

● مرگ چیزی نیست جز پلی که شما را از



سختی و تنگ‌دستی به سوی بهشت پهناور نعمت  
جاودان عبور می‌دهد.

● میان تو و مرگ بیش از یک چشم به هم زدن  
فاصله نیست، پس به انجام کاری بکوش که در روز  
رستاخیز برایت محفوظ بماند.

● کسی که دوست دارد تو را از کار بد باز  
می‌دارد. کسی که دشمن توست گمراهت می‌کند.

برای آرامش بیشتر سخنان نورانی امام حسین (ع)  
را در زندگی عملاً جریان دهیم و لذت ببریم.

## خدایا!

عمر نوح (ع)، صبر ایوب (ع)، حلم ابراهیم (ع)، عزت موسی

(ع)، مقام عیسی (ع)، نور محمد (ص)، غیریت علی (ع)، عفت

زهرا (س)، پاکی حسن (ع)، شهادت حسین (ع)، عبادت

سجاد (ع)، علم باقر (ع)، مکتب صادق (ع)، ایمان کاظم (ع)،

رضایت رضا (ع)، جود جواد (ع)، هدایت هادی (ع)، قدرت

عسکری (ع)،

رفعت و عظمت و زیبایی مهدی (عج) را

به ما عنایت فرما.

آمین یا رب العالمین